

ترویج و پیمودن «راه مصدق» تنها علاج رهائی ایران از انقلاب مخملین

سال‌ها پیش برای اولین بار در جهان، تئوری ایجاد **انقلاب مخملین** به جای انقلاب‌های بنیادین و تحوّل آفرین در کشور لهستان به دست «لخ والسّا» که یکی از سرسپردگان پاپ اعظم کاتولیک‌های جهان بود و او را برای انجام چنین پروژه‌ای با دسیسه‌های پنهانی به رهبری اتحادیه کارگران کشتی‌سازی گدانسک رسانده بودند تا بتوانند نیروی عظیم کارگران را به وسیله او مهار کنند به محک آزمایش گذاشته شد و به تحقق پیوست.

«لخ والسّا» به ظاهر یک کارگر کمونیست در بلوک شرق بود که مبارزه‌ای را با رنگ و بوی دموکراسی طلبانه و آزادی خواهانه آغاز کرده بود، اما ذات و سرشت ارتجاعی وی در آن روزها که شور انقلاب بر کارگران خشمگین و مردم ستم‌دیده لهستان غلبه کرده بود پنهان ماند. اکنون پس از اینهمه سال که از انقلاب مخملین «لخ والسّا» گذشته است دست آورد آن برای مردم و بویژه کارگران لهستان فقط فقر و فاقه‌ای است که در اثر بدهکاری‌های کلان پیشین و روزافزون کنونی لهستان رو به فزونی گذاشته است. امروز از «لخ والسّا» دیگر خبری نیست. او از نبود آزادی و عدالت اجتماعی فقط در آن روزهای سخن می‌گفت که خیابان‌های گدانسک را با شمع روشن در دست به صحنه عدالتخواهی و طلب رفاه برای کارگران مبدل کرده بود و دوربین‌ها و میکروفون‌های رادیو و تلویزیون‌های غرب لحظه‌ای از وی جدا نمی‌شدند. تو گوئی در این روزها، «لخ والسّا» را پس از انجام پروژه‌ای پر زحمت بازنشسته کرده اند!، طرح **انقلاب مخملین** «لخ والسّا» از آن پس به سرمشقی برای پیاده کردن آن به صورت‌های مختلف در کشورهای نظیر اوکراین، گرجستان، یوگوسلاوی و چند کشور دیگر مبدّل شد که در تمامی این کشورها اهداف سیاسی/استراتژیکی/اقتصادی آمریکا تأمین شد ولی افسوس که مردم لهستان نمی‌دانستند به هیچیک از خواسته‌های برحق خود دست نخواهند یافت. یکاش خستگی و خمودی و محنت روزافزون آن‌ها پس از آن **انقلاب مخملین** درس عبرتی برای ما مردم ایران می‌شد.

در ایران نیز دست اندرکاران رادیو تلویزیون‌های ۲۴ ساعته از لوس آنجلس و دیگر شهرهای آمریکا و شبه روشنفکران بی‌مقدار و زبون طی چندسال گذشته انقلاب را برای میلیون‌ها مردمی که به جای مطالعه و پژوهش فقط چشم و گوش به اینگونه شیپورهای تبلیغاتی که باید آن‌ها را وسایل تحمیق عمومی نام نهاد به دو نوع تقسیم کرده اند: (1) انقلاب خشونت‌بار و خونریز (2) **انقلاب مخملین** با حمایت و تسلط آمریکا. عجبا که کسی از انقلاب بدون خونریزی و بنیادین که نمونه‌های بسیاری در جهان داشته و یکی از نمونه‌های بارز آن در ایران نیم قرن پیش با کودتائی سرکوب شد هیچ کس سخن به میان نمی‌آورد! فقط همان‌ها که در لهستان آغاز شد و هم اکنون ایران را زیر سایه سیاه و سنگین خود گرفته تبلیغ می‌کنند! جمع بسیاری از اینگونه شبه روشنفکران در وسایل تحمیق عمومی مردم ایران به علت کمی مطالعه و دانش به دنبال این **انقلاب مخملین** به راه افتاده اند و گرچه شاید بسیاری از آنان تعمدی ندارند که ایران را از فردای سرنگونی جمهوری اسلامی زیر سلطه و نفوذ دائم امپراتوری آمریکا قرار دهند، اما عملاً چنین می‌کنند. جمع دیگری از این شبه روشنفکران به طور قطع مأمورین مستقیم و فعال سیاستمداران کاخ سپید و اشنگتن هستند و آگاهانه مردم ایران را با قیافه‌هایی بسیار مظلوم و ظاهر فریب به سوی **انقلاب مخملین** امریکایی سوق می‌دهند.

بی‌مناسبت نیست در اینجا به دو نمونه و مطلب کوتاه زیر که در رابطه با شواهد کتبی و رسمی در باره مقدمات اجرای طرح امریکایی انقلاب مخملین در ایران بر روی شبکه اینترنت یافت شد توجه کنیم:

- . . . اما به نوشته "نیویورک سان"، پیگیری طرح رفراندوم و تلاش در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران با استمداد از الگوی **انقلاب مخملین**، از جمله پروژه هایی است که سازگارا وظیفه پیگیری و اجرای آن را برعهده گرفته است.

-
- هفته گذشته شهر دویی میزبان سلسله جلساتی درباره آینده جمهوری اسلامی ایران بود. به گزارش **شریف‌نیوز**، در این اجلاس به مباحثی همچون انتخابات نهم ریاست جمهوری ایران و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خصوص ایران در سال 2005 پرداخته شده است. مجری این اجلاس موسسه «بحاث الخلیج» بوده که زیر نظر یکی از اعضای خاندان سلطنتی عربستان و عضو ارشد سازمان اطلاعاتی این کشور برگزار شده است. گفته می‌شود این اجلاس از سوی شورای روابط خارجی وزارت امور خارجه آمریکا به این موسسه سفارش داده شده است. در یکی از سمینارهای این اجلاس، «دیوید پنتر» دستیار «ریچارد آرمیتاز» گفته است: «الگوی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد **انقلاب مخملین** با نارنجی اوکراین موفق بوده و می‌توان این الگو را به ایران هم تعمیم داد، اما باید با توجه به وضعیت ایران، چند برابر اوکراین، در ایران هزینه شود.» گفتنی است برخی منابع خبری خارجی، اخیراً مدعی شده‌اند آمریکا در جریان انتخابات اوکراین، 65 میلیون دلار هزینه کرده است. همچنین بر اساس برخی اخبار غیر رسمی، دو نفر از کارشناسان وزارت امور خارجه و چند استاد دانشگاه‌های تهران در این اجلاس شرکت داشته‌اند.

شعار معروف « امروز فقط اتحاد» و نیز شعار و طرح « فراخوان رفراندوم» نیز نمونه هایی از تلاش هایی از سوی افرادی نظیر رضا پهلوی و محسن سازگارا برای هموار کردن راه ورود **انقلاب مخملین** امریکایی به ایران بودند که خوشبختانه تا کنون با عدم اقبال عمومی مواجه شد، ولی خطر غالب شدن نوکران حلقه به گوش استعمار جهانی بر احساسات ضد استبدادی مردم ایران همچنان موجود است و متأسفانه حلقه را هر روز به دور مردم ستمدیده ایران تنگ تر می کند.

تلاش های مذبوحانه رضا پهلوی و اعتصاب غذای سه روزه او و خیمه زدندش به اتفاق دوپست سیصد نفر از فرزندان امیران شاهنشاهی و سازمان امنیت سابق ایران (ساواک) در میدان ساختمان فدرال امریکا در لوس آنجلس فقط برای جلب جوانان در درون مرزهای ایران و بردن مسابقه دلبری سیاسی از امپراتور کاخ سپید است وگرنه مصدق هم از خاندان قاجار برخاسته بود. مصدق هم به تحصن و اعتصاب غذا دست زده بود. مصدق شدن برای شاهزاده پهلوی آسان نیست. میان تحصن او با تحصن مصدق از لوس آنجلس تا ایران و بیش از آن فاصله است. . . .

از عجایب شهر لوس آنجلس در روز یکشنبه 13 ماه ژوئن 2005 یکی این بود که رادیو معروف FM 670 که تاکنون در هیچ یک از مسائل سیاسی و مبارزات ضد استبدادی کم ترین دخالتی نداشت به طرز بسیار بی سابقه ای به جمع بقیه رادیو تلویزیون های ایرانی و حامیان **انقلاب مخملین** به رهبری رضا پهلوی پیوست. عجیب تر از تمام مسائلی که امروز در رادیو تلویزیون های لوس آنجلس شنیده شد تماس دسته جمعی چندی از زندانیان جوان و مشهور در جمهوری اسلامی به نام های اکبر محمدی، دکتر فرزاد حمیدی، احمد باطبی و گویا طبرزدی و چند تن دیگر با آقای رضا پهلوی در میدان ساختمان فدرال در لوس آنجلس و در رأس ساعت معین و مقرر بود که نیازی به تعبیر یا تفسیری از سوی این نگارنده ندارد. از دیگر عجایبی که تعداد آن بی شمار بود در گذریم . . . (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

وظیفه نجات ایران از سرنگونی در افتادن به دام مهلک **انقلاب مخملین** امریکا و اتحادیه اروپا اکنون اگر دیر نشده باشد بر دوش پیروان راستین **راه مصدق** و شخصیت های چپ ملی و مترقی است. اگر دیر شده باشد نیز این وظیفه مهم به گردن همین انگشت شماران شخصیت ها در درون و بیرون ایران برای رهائی ایران از استیلاى این **انقلاب مخملین** است.

تنها علاج گره کور رهائی ایران اگر دیر نشده باشد **ترویج «راه مصدق»** است، اما چنانچه دیر شده و **انقلاب مخملین** همانند «آش خاله» با دوصد دوز و کلک و زور به گلویمان فرو خواهد شد بازهم تنها راه برای رهائی همان است، زیرا :

- رهبر واقعی انقلاب مترقی و بدون خونریزی در ایران زنده یاد دکتر محمد مصدق بود. زیر نام او و راه او به مبارزه برخاستن وقار و تمدن و انسانیت مصدق را در ذهن جهانیان زنده خواهد کرد و ما را در چشم آن ها بلافاصله از امت قمه بند اسلام ناب محمدی به ملت وارسته ای که مصدق در ذهن جهانیان به یادگار گذاشته بود مبدل خواهد کرد. مردم جهان ما را دوباره پیدا خواهند کرد.
- انقلاب بدون خونریزی مصدق تنها متکی بر ارائه دلیل و مدرک و شواهدی بود که حتا مخالفان او در درون و برون ایران قادر بر کتمان آن نبودند. ما نیز باید همان راه آسان و موثر را با ابتکارات ویژه و قابل اجرا در پیش گیریم. این کاری است بس آسان. باید بدان بیانیشیم تا به آن پی ببریم.
- بزرگ ترین حربه مصدق برای پیشبرد اهداف انقلابی استفاده زیرکانه از شیوه جلب افکار عمومی در درون و برون ایران نسبت به حقانیت و مظلومیت مردم ایران در برابر مظالم ناشی از دست اندازی بیگانگان به امور داخلی ایران توسط جاسوسانی بود که مهره های خودفروش و مستبد ایرانی را در دربار و مجلس شورای ملی و وزارتخانه ها و دیگر دواير دولتی ایران می خریدند و به خیانت وادار می کردند. انجام این کار برای هزاران تن از ما که هم اکنون در اروپا و امریکا حضور داریم عملی است بسیار آسان و انقلابی که حیرت جهانیان و توجه آن ها را نسبت به مدارک و دلایل بی شمار ما مبنی بر مظلومیت و حقانیت ملت ایران بر می انگیزد و دولتپاشان را به پیمودن راه انصاف و مروت انسانی وادار خواهد نمود.
- ملی کردن صنعت نفت در ایران بدون شک با تلاش پی گیر و فداکاری های او میسر گشت، اما شهرت دادن آن بزرگمرد تنها به عنوان رهبر ملی کردن نفت بس غرض آلود و تعمدی به نظر می آید. دکتر محمد مصدق در حقیقت قهرمان و رهبر **استقلال طلبی** در ایران بود. ملی شدن نفت ایران هدف اصلی دکتر محمد مصدق نبود، بلکه او برای کوتاه کردن دست انگلیس در امور داخلی ایران چاره ای به غیر از ملی کردن صنایع نفت و خلع ید از تمامی افراد فنی، اداری و سیاسی انگلیس نداشت. شرکت انگلیسی نفت تا آن زمان ثروت های زیر زمینی ایران را به چپاول می برد و نسبت به ترویج روز افزون فقر و فاقه و جهل و مرض و رشوه خواری و دیگر فساد ها نیز در ایران کوتاهی نمی کرد. مصدق بیشترین تلاش خود را بر **استقلال ایران** و تأمین حق سرنوشت مردم به دست مردم ایران متمرکز کرده بود نه ملی کردن نفت. برای ابراز دلیل بر چنین مدعایی کافی است به سیاست و برنامه اقتصاد بدون نفت مصدق توجه کنیم و دیگر مدارکی که به آسانی در دسترس همگان است.
- مصدق کمونیست نبود، اما آزادیخواهی او و اعتقاد عمیق وی به آزادی همه احزاب سیاسی باعث شد که سیاستبازان انگلیسی سرنگون سازی دولت او را به بهانه آزادی احزاب کمونیست در ایران و در نتیجه استیلاى کمونیزم و اتحاد جماهیر شوروی بر ایران به سیاستمداران امریکا بقبولانند. امروز که اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی نمی تواند بهانه ای باشد پیروی مردم ایران از راه مصدق برای مردم جهان به غیر از همان معنی همیشگی نخواهد داشت و آن **استقلال ایران** است و دیگر هیچ. بهانه ای وجود ندارد.
- تلاش و مبارزه ما مردم ایران زیر عنوان **«راه مصدق»** در چنین روزهایی که میلیون ها مردم امریکا و اروپا و دیگر کشورهای جهان بر ضد تجاوز ارتش های امریکا و انگلیس متحد شده اند

موقعیت و وظیفه بزرگ و بی نظیری است که چنانچه با سرعت بدان نپردازیم و همچنان منفعل و سرگردان بمانیم لیاقتی بیش از گذران مفلوکانه و حقیرانه زیر سلطه سردمداران انقلاب مخملین امریکایی از خود نشان نخواهیم داد.

ترویج « راه مصدق» بین مردم در درون و برون ایران را، برای به وجود آوردن انقلابی بنیادین و بدون خونریزی که تعطیل شدن تروریسم، اولین دست آورد مثبت آن برای مردم غرب و دیگر مردم جهان خواهد بود « نظم دیرین استعمارگرانه» را در «خاورمیانه بزرگ» به «نظم نوین انسانگرایانه» مبدل خواهد کرد و نزد مردم بیدار شده جهان نسبت به قضایای کنونی در جهان مقبولیتی ویژه و فوری خواهد یافت. مردم جهان ما را با آغوش باز خواهند پذیرفت و نیروی ما را به ده ها برابر مبدل خواهند کرد. این وظیفه ایست به گردن پیروان راستین و استخواندار « راه مصدق» و «فعالان چپ» و ملی استخواندار که دست در دست هم نهند و انقلابی بدون خونریزی به پا کنند. چنین باد.

محمد حسیبی

13 ژوئن 2005 برابر با 23 خردادماه 1384

www.hassibi@chebayadkard.com